

گفتگو با دفترم
دربارهٔ مرگ

سرشناسه: اوئیسمان-پرن، امانوئل Huisman-Perrin, Emmanuelle
عنوان و نام پدیدآور: گفتگو با دخترم درباره مرگ/امانوئل هوئیزمان-پرن؛
ترجمه مهدی ضرغامیان.
مشخصات نشر: تهران: آفرینگان، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۷۲ ص.
فروست: نشر آفرینگان؛ ۲۰۹.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۹۱-۰۱۰-۲-۲
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: La mort expliquée à ma fille, c2002.
موضوع: مرگ - جنبه‌های روان‌شناسی
موضوع: مرگ
شناسه افزوده: ضرغامیان، مهدی، ۱۳۴۴ -، مترجم
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ الف ۴ م/۷۸۹ BF
رده‌بندی دیویی: ۱۵۵/۹۳۷
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۰۳۴۱۳۵

گفتگو با دخترم دربارهٔ مرگ

امانوئل هویزمان - پرین

ترجمهٔ مهدی ضرغامیان



نشر آفرینگان: ۲۰۹

این کتاب ترجمه‌ای است از:

**La Mort expliquée
à ma fille**

Emmanuelle Huisman-perrin
Seuil, 2002



نشر آفرینگان

تهران، خیابان انقلاب، خیابان منیری جاوید،
کوچه مبین، شماره ۴، تلفن ۶۶ ۴۱ ۳۶ ۶۷

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس



امانوئل هو بیزمان - پرین

گفتگو با دفترم درباره مرگ

ترجمه مهدی ضرغامیان

چاپخانه پژمان

چاپ دوم

۹۹۰ نسخه

۱۳۹۵

حقوق چاپ محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۹۱-۰۱۰-۲ ISBN: 978-600-391-010-2

۵۰۰۰ تومان

یادداشت مترجم



مرگ فرجام مشترک همهٔ آدم‌هاست. و این را هم می‌دانیم که سایر موجودات زنده، نظیر گیاهان و جانوران، هم روزی تسلیم مرگ می‌شوند. زیرا مرگ به اصطلاح شتری است که در هر خانه‌ای می‌خواهد.

این فرجام‌گریزناپذیر مردم سرزمین‌های مختلف و پیروان ادیان و باورهای گوناگون را به اندیشیدن واداشته است، اندیشه‌هایی که غالباً برخاسته از نگرش‌ها و جهان‌بینی‌های مرتبط با زندگی و حتی چگونگی خلقت انسان و جهان است. بر این پایه، تصورات مربوط به مرگ و باورهای مرتبط با آن در ادامهٔ باورهای مربوط به زندگی و تفسیر و توجیه چگونگی پیدایش حیات شکل می‌گیرد. بنابراین، همان‌گونه که ادیان و آیین‌های مختلف دربارهٔ زندگی و منشأ آن وجوه اشتراک و افتراق گوناگونی دارند،

درباره مرگ و مسائل مربوط به آن نیز توافق‌ها و اختلاف‌نظرهای زیادی دارند.

نویسنده کتاب حاضر، که در دبیرستان‌های فرانسه معلم فلسفه است، کوشیده است، به جای طرح مسائل اعتقادی درباره مرگ، به تشریح جنبه‌هایی عملی و واقعی بپردازد که کمتر به آن توجه شده است؛ مثلاً، سن وقوع مرگ، محل از دنیا رفتن آدم‌ها، عوامل بروز مرگ و آداب و رسوم رایج در روزهای پس از وقوع مرگ یا حتی نحوه ارتباط اطرافیان با کسی که از دنیا رفته است.

نویسنده خواسته است تا خوانندگان خود را با تصورات و باورهای مردم سرزمین‌های مختلف آشنا کند؛ از این رو، گاهی طرح بعضی از مسائل و مطالعه آن‌ها موجب حیرت و تعجب بعضی از خوانندگان خواهد شد. در این موارد، لازم است به گوناگونی فرهنگ مردم سراسر جهان، تنوع باورها و گوناگونی آداب و رسوم، آیین‌ها و عقاید توجه کنیم و به یاد داشته باشیم که تنوع اقلیمی و آب و هوایی، تجربه‌های متفاوت زندگانی، و کثرت الگوهای زندگی در میان میلیون‌ها میلیون انسانی که روی زمین به سر برده‌اند تنوع عقاید و باورهای بی‌شمار را در میان آدمیان رقم زده است، عقایدی که گاه نپذیرفتنی و با یکدیگر متناقض به نظر می‌رسند.



موضوع عجیبی است که آدم با دخترش درباره مرگ گفتگو کند، عجیب تر این که دخترش یازده ساله باشد. قطعاً در دنیا کارهای بهتر، مهم تر یا ساده تری هست که بتوان انجام داد. اما زندگی همه آدم ها در پیوند با مرگ است، زندگی پدربزرگ ها، پدرها و پسرها و همچنین زندگی مادربزرگ ها، مادرها و دخترها.

پس چرا طرح این مسئله و پرداختن به این موضوع برای دختر یازده ساله ام ممکن است اندوهناک باشد؟ برای من هم مثل دیگران - و شاید بیش از دیگران - اتفاق افتاده که مرگ نزدیکان را به فرزندانم اطلاع بدهم. می دیدم که دادن این خبر چقدر آنان را به هم می ریزد، چنان که مرا هم آشفته می کرد. البته هدفم از پرداختن به این موضوع چیز دیگری

است. من در این جا درباره مرگ کسی صحبت نمی‌کنم و قرار نیست گفته‌هایم جریان زندگی خاصی را تغییر دهد. تنها کوشیده‌ام با دختر کم‌سن و سالم در فضای آرامش‌بخش خانه و در ضمن ساعاتی آرام و بی‌دغدغه آنچه در زندگی خود از مرگ فهمیده‌ام، در میان بگذارم. این‌که دختر یازده‌ساله‌ام را برای گفتگو انتخاب کرده‌ام و نه پسرهای بزرگ‌ترم را، که آنان هم به این موضوع علاقه‌مند و مرتبط بوده‌اند، بدین جهت است که به نظرم در پایان دوره کودکی، مرگ ساده‌تر بیان می‌شود. بچه‌های کم‌سن‌تر اغلب اوقات درباره مرگ حرف می‌زنند. اما همین‌که بزرگ‌تر می‌شوند، از صحبت درباره چنین مسائلی دست می‌کشند. دیگر جرئت نمی‌کنند حرفش را بزنند. متوجه اضطراب و سکوت بزرگسالان می‌شوند. من می‌خواهم با این سکوت مبارزه کنم. اگر نمی‌توانیم از مرگ بپرهیزیم، دست‌کم می‌توانیم نگذاریم این موضوع به راز یا تابو تبدیل شود. در لایه زیرین این گفتگو تمایلی واهی نهفته است: میل به این‌که گفتگوی حاضر خطابه‌ای آرام‌بخش درباره مرگ باشد. می‌خواهم بچه‌ها مرگ را صرفاً عامل از دست دادن وحشتناک عزیزان و عذابی دردناک نبینند، بلکه آن را پدیده‌ای طبیعی و پذیرفتنی بدانند.

چنین گفتاری از نظر کسانی که گرفتار مصیبت و داغ‌دیدگی شده‌اند، مطالبی به دردنخور و بی‌معنی است.

اما وقتی از مرگ حرف می‌زنیم، وقتی آن را در نظر می‌گیریم بی‌آن‌که از اهمیتش کم کنیم، وقتی آن را می‌سنجیم بی‌آن‌که نادیده‌اش بگیریم، به یادش هستیم بی‌آن‌که برجسته‌اش کنیم نه به معنای فهمیدن مرگ است و نه به معنای دقیق کلمه تشریح این موضوع است، این کارها به لحاظ عقلانی غیرممکن هستند، اما این کار شنیدن دربارهٔ مرگ و راه آمدن با آن است تا گرفتار ترس و وحشت از آن نشویم. گفتگو با بچه‌ها دربارهٔ مرگ یکی از بهترین روش‌هاست تا آن‌ها با علاقهٔ بیشتری زندگی کنند و سکوت ناشی از نگرانی دربارهٔ این موضوع را کنار بگذارند.